



دانشگاه علامه طباطبایی
دانشکده زبان و ادبیات فارسی
گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی و تحلیل قهرمان‌پردازی در رمان نوجوان دهه هشتاد

استاد راهنما: آقای دکتر شیرزاد طایفی

استاد مشاور: آقای دکتر نعمت‌الله ایران‌زاده

نگارش: آزاده اسلامی

سال تحصیلی ۹۲ - ۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به کسانی که

کودکی شان به بهانه، بلوغشان از شرم، نوجوانی شان در انتظار، جوانی شان به اعتبار، بزرگی شان به

جرم

بزرگ شدن،

گم شد...

و

تقدیم به دکتر سید علی دانش؛

که تمام گم شده‌هایم را به من بازگرداند و فرصت داد تا خودم را تجربه

کنم.

با تقدیر و تشکر از

کسانی که برای من و امثال من زحمت کشیدند و هزینه کردند، تا شخصیت هایی باشیم، ایستا، منفعل، درون‌گرا و غمگین، با فردیتی بر باد رفته و هویتی گم شده، نماینده تویی پذیرای تقدیر و تبلیغ، با دغدغه‌هایی چون بزرگ شدن و با باور به سرنوشتی که پایانی بسته دارد.

چکیده

هنر رمان با تأثیرگذاری از طریق قهرمان می تواند در ذهن مخاطب جهانی متفاوت از واقعیت بیافریند. در سنین نوجوانی، به دلیل اشتیاق فرد برای کشف و دستیابی به هویتی مطلوب و همچنین غلیان هیجانانگیز و احساسات، تأثیرگذاری رمان پررنگ تر است. بنابراین، پرداختن به مسأله قهرمان - پردازی در رمان های نوجوان از اهمیت زیادی برخوردار است. این پژوهش، ابتدا به بیان و بررسی مفاهیم کلی در مورد نوجوانی، رمان، قهرمان، رمان فارسی و رمان نوجوان پرداخته و سپس ۲۵ رمان نوجوان فارسی ویژه دهه هشتاد را بررسی و تحلیل می نماید. طی تحلیل های به دست آمده مشخص شده است که برخی رمان ها درحالی که از فضا و عناصر ویژه نوجوان برای روایت استفاده کرده اند، مخاطب بزرگسال داشته اند. همچنین بیشتر رمان ها، واقع گرا بوده، فضایی غمگین، نگاهی انتقادی و پایان بندی بسته داشته اند. اکثر قهرمان ها نیز، شخصیت هایی ایستا، منفعل، درون گرا و باورپذیر بوده - اند. در مجموع، رمان فارسی در محتوا با رمان غربی متفاوت است.

کلیدواژه ها: نثر معاصر، رمان نوجوان، نوجوانی، قهرمان پردازی، شخصیت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۵	روش کار.....
۶	محدودیتها و مشکلات.....
۷	بخش اول :.....
۷	تعارف و مفاهیم.....
۸	فصل اول : نوجوانی.....
۹	بلوغ.....
۱۱	نوجوانی.....
۱۳	ویژگیهای روانشناختی گروه سنی ۱۲ تا ۱۶ سال.....
۱۳	هویت.....
۱۶	فصل دوم: رمان.....
۱۷	هنر.....
۱۹	داستان.....
۲۱	انواع داستان.....
۲۱	قصه.....
۲۲	رمانس.....
۲۲	داستان کوتاه.....
۲۳	رمان.....
۲۴	انواع رمان.....
۲۵	داستان واقعهگرا (رئالیست).....

۲۵	داستان شگفت
۲۶	داستان فانتزی (خطل و وهم)
۲۶	داستان تمطی
۲۶	داستان هراس انگیز
۲۷	فرداستان
۲۷	تولد رمان
۲۹	دگردیسی و تحوّل رمان
۳۰	ویژگی های رمان
۳۰	" رمان نسبت گراست. "
۳۰	" رمان، واقعگرا و جزئی نگر است. "
۳۱	" رمان، بازتاب دهنده دیدگاه ها، اندیشه ها و دستاوردهای روزگار خویش است. "
۳۱	" رمان، هنری چندوجهی است. "
۳۲	" رمان، دغدغه امور کلی را دارد. "
۳۳	" رمان، فراتر از واقعیت است. "
۳۳	" رمان، بر نگرش انسان ها تأثیری می گذارد. "
۳۴	عناصر داستان
۳۴	شخصیت (Character)
۳۵	بپینگ (plot)
۳۵	زاوی دیدی (point of view)
۳۶	درونمای (theme)
۳۶	موضوع (subject)
۳۶	کنش علی عمل داستانی (action)
۳۷	لحن (tone)
۳۷	فضا و رنگ (atmosphere)

- ۳۷ کشمکش (conflict)
- ۳۸ گفت و گو (dialogue)
- ۳۸ یک رمان خوب چه ویژگی‌هایی بای داشته باشد؟
- ۴۰ تأثیر رمان بر اجتماع
- ۴۱ نتیجه‌گیری
- ۴۲ فصل سوم: قهرمان
- ۴۳ اسطوره
- ۴۴ رابطه اسطوره با ادبیت
- ۴۵ رابطه اسطوره با رمانهای ایران
- ۴۶ قهرمان
- ۴۷ شخصیت
- ۴۹ فصل چهارم: رمان فارسی
- ۵۱ تاریخچه رمان فارسی
- ۵۳ سبک رمان فارسی
- ۵۵ نتیجه‌گیری
- ۵۶ فصل پنجم: رمان نوجوان
- ۵۸ پیشینه ادبیت نوجوان در زبان و ادبیت فارسی
- ۵۸ ویژگی‌های رمان نوجوان
- ۶۲ فصل ششم: جمع بندی و نتیجه‌گیری
- ۶۵ بخش دوم
- ۶۵ بررسی نیهت و پنج رمان نوجوان
- ۶۸ (۱) سمفونی سرب زمینی
- ۷۶ (۲) لالایی برای دختر مرده
- ۸۳ (۳) شی که جرواسک نخواند

- (۴) فرشته ها از کجا می آیند؟ ۸۷
- (۵) پرواز درناها..... ۹۰
- (۶) من و رضا و آیینی ۹۵
- (۷) کوچه صمصام..... ۱۰۰
- (۸) کلاغ کامپیوتر..... ۱۰۵
- (۹) لاک پشت فطی..... ۱۱۰
- (۱۰) اسب نقره ای..... ۱۱۵
- (۱۱) پاییز در قطار..... ۱۲۰
- (۱۲) پسرک کرم به دوش و خندق بلا..... ۱۲۵
- (۱۳) طبقه هفتم غربی..... ۱۳۱
- (۱۴) نفرینی های یک کلاغ از پیش مرده..... ۱۳۶
- (۱۵) شب نشینی گفتارها..... ۱۴۲
- (۱۶) چهل تکه..... ۱۴۵
- (۱۷) پاییز مادر بزرگ..... ۱۴۸
- (۱۸) من نوکر بابام نیستم!..... ۱۵۲
- (۱۹) جام جهانی در جوادری..... ۱۵۷
- (۲۰) دشت بان..... ۱۶۱
- (۲۱) شب گربه های چشم سفید..... ۱۶۵
- (۲۲) گرگها از برف نمی ترسند..... ۱۶۹
- (۲۳) آواره بی خورشیدی..... ۱۷۴
- (۲۴) راز گمشده خاور..... ۱۷۸
- (۲۵) ملاقات با خون آشام..... ۱۸۲
- بخش سوم:..... ۱۸۶
- نخچه و ارائی یافته ها..... ۱۸۶

۱۸۷.....	نتیجۀ بررسی رمانهای مذکور از نظر ویژگیهای داستانی.....
۱۹۰.....	نتیجۀ بررسی ویژگیهای قهرمان در رمانهای مذکور.....
۱۹۵.....	نکاتی دربارهٔ شخصیت‌های اصلی مؤنث در داستانهای مذکور.....
۱۹۶.....	پیشنهاد و راهکار.....
۱۹۶.....	الف - پیشنهاد به پژوهشگران حوزهٔ ادبیات نوجوان.....
۱۹۶.....	ب - پیشنهاد به نویسندگان رمان نوجوان.....
۱۹۸.....	کتابنامه.....
۲۰۱.....	مقالات.....
۲۰۲.....	Summary.....

از آمار فجیع جرم و جنایات گرفته تا تبلیغات گسترده داروهای ترک اعتیاد و قرص های ضد افسردگی و ... این پرسش تلخ روح آدمی را می آزارد که ؛ بشر نسل امروز را چه شده است؟

از مجموعه بهت زده انسان نیمه نئاندرتال غارهای لاتسکو تا سیمای فریبنده ستارگان هالیوود، اگر و تنها اگر نقاب زمان را از روی آنها برداریم و برهنه شان کنیم، به اسکلت انسانی برخوایم خورد با گوش هایی فراخ برای شنیدن قصه های قهرمانان. قهرمانانی که در میان قصه های پر رمز و راز شمن ها تا داستان های مربوط به خدایان، پا به پای بشر نوپا بزرگ شدند، از هزارتوی مبهم اسطوره ها گذشتند. حماسه ها را طی کردند. در میدان نمایش نامه های سوفکل، نقش بازی کردند و آنقدر در پیچ و خم های تاریخ، پوست انداختند تا به هیأت انسان معلق و سرگشته دنیای پسامدرن رسیدند. دنیایی که پس از جنگ های جهانی و کشتارهای میلیونی، پذیرای کارخانه های صابون سازی سرمایه دارانی شد که مواد اولیه آنها چیزی نبود مگر چربی - های حاصل از سوختن اجساد انسان ها. در واقع این تاریخ انسان بود که می سوخت. انسانی که حالا نه دستش به آسمان افلاطون می رسید و نه پایش بر زمین ارسطو بند بود. داروین، اصالت آسمانی انسان را از بهشت خدایان به جامعه میمون ها کشانده بود. نیچه، فلسفه را به بن بست "خدا مرده است" رسانیده بود و کلیسا، دیگر نتوانسته بود خدایی را بر دوشش حمل کند که در برابر ضجه های سوزناک زنان و کودکان، آنقدر سکوت کرده است که گویی مرده است...

حالا بشر، یکه و تنها، سرگشته و سردرگم، بی هیچ توتمی، بی هیچ الهه ای و بی هیچ خدایی، خودش و تنها خودش، قهرمان سرنوشت زندگی خودش شده بود. اینجا بود که رمان یعنی داستان تنهایی و سردرگمی انسان متولد شد. دیگر قهرمانان نه به جنگ با خدایان می رفتند، که خدایی نمانده بود و نه با سرنوشت می جنگیدند که تاریخ آغازی نبود که از سر نوشته شده باشد. قهرمان، انسان معلق بود بی آغاز و بی پایان و حالا یا با جامعه اش در ستیزه بود و یا با خودش.

با بزرگ شدن انسان، خدایان افسانه‌ها، جایشان را به اسطوره‌ها در حماسه‌ها دادند و اسطوره‌های حماسه‌ها، به قهرمانان قصه‌ها تبدیل شدند و قهرمانان قصه‌ها، به شخصیت‌های رمان تغییر کردند.

آنچه در بالا گفته شد، مربوط به جوامع غربی است. حال با چند پرسش روبرو هستیم؛

- آیا در جامعه ما که دارای فرهنگی ایرانی - اسلامی است، رمان در مفهوم غربی آن جای دارد؟

- آیا هنوز می‌توان قهرمان ساخت؟

- آیا می‌توان از طریق رمان، فرد و جامعه را در مسیر کمال انداخت؟

در مورد پرسش نخست، باید گفت که همان‌طور که لوکاک می‌گوید، رمان برگرفته از جوامع بی‌خداست. البته در این میان قدرت حاکمه را نباید نادیده گرفت. در جوامعی که دموکراسی حاکم نیست و افراد آزادی بیان ندارند، رمان در سطح کلان و به‌طور رسمی نمی‌تواند تولید شود. در واقع، آنچه به عنوان رمان مطرح می‌شود، همان داستان بلند است. ادبیات کشور ما برگرفته از فرهنگی غایت‌گرا و کمال‌طلب است. در فرهنگ ایرانی - اسلامی برخلاف فرهنگ غربی مسائل روزمره و جزئی حاوی اهمیت نیستند و ارزش‌ها با اهداف کلی و غایت‌مند سنجیده می‌شوند. بنابراین رمان فارسی در زیربنا و ژرف‌ساخت با رمان غربی متفاوت است.

در مورد پرسش دوم، می‌توان گفت قهرمان پروری در هر مقطعی از زمان و مکان، زاده نیازهای ذاتی و یا القایی جامعه در آن مقطع است. اگر این نیازها ذاتی باشد، به عنوان مثال جامعه در شرایطی باشد که عموم افراد احساس یأس و سرخوردگی داشته باشند، هنرمند که فردی حساس‌تر از سایرین است، بیش از دیگران تحت فشار ناشی از یأس و سرخوردگی قرار می‌گیرد و برای فرار از این فشارها دست به خلق اثر و همچنین قهرمانی می‌زند که بتواند روح و جان او را از این فشارها رهایی دهد. اینجاست که بسته به شرایط اجتماع و تجربه‌های زیستی و درونی هنرمند، قهرمانی خلق می‌شود که یا ناجی اجتماع و تغییردهنده شرایط بیرونی است و یا قهرمانی درونی و معنوی ساخته می‌شود که بتواند بر یأس و رنج‌های خود - نه شرایط ایجادکننده یأس و رنج - غلبه کند. چنین قهرمانی که شرایط موجود در جامعه،

انتظار خلق شدنش را می کشد، پذیرفته تر، ماندگارتر و تأثیرگذارتر است. حال اگر قدرت های حاکمه در اجتماع برای توجیه و یا حمایت از اهداف خود بخواهد قهرمانی بسازد و آن را تبلیغ، القا و تحمیل کند، چون چنین قهرمانی از اعماق جان هنرمند بیرون نیامده است و نسبت به خلق آن، احساس نیاز چندانی نبوده است، قاعدتاً نمی تواند ماندگار باشد. در حوزه ادبیات جنگ، ساخت و پرداخت چنین قهرمانانی زیاد دیده می شود. با این اوصاف می توان گفت که قهرمان به معنای ناب خود که بتواند ماندگار شود باید زاده محیط بیرون و درون هنرمند باشد و به عنوان یک راه کار که بتوان فردیتی خاص را در فرم یک قهرمان به دیگران تبلیغ و تحمیل کرد، ماندگاری و تأثیرگذاری چندانی ندارد. بنابراین، در جان هنرمند باید "احساس نیاز" ایجاد شود. هرچه هنرمند آگاه تر، حساس تر و کمال جو تر باشد، قهرمان اثر او نیز، دقیق تر، تأثیرگذارتر و کامل تر است، تا جائیکه می تواند در جایگاه اسطوره قرار بگیرد.

در مورد پاسخ به سؤال سوم باید گفت از آنجائیکه انسان در هر مکان و زمانی به دلیل کارکرد تعلیمی و تربیتی اسطوره به آن نیازمند است (کمبل، ۱۳۸۰: ۶۲) و انسانی که به الگویی برای زندگی کودکان دیگران تبدیل می شود، به عرصه اسطوره شدن پا می گذارد (همان، ۳۸) و هنرمند آن توانایی را دارد که اسطوره ها را امروزی کند (لوی استروس، ۱۳۸۵: ۱۵۵)، بنابراین هنرمند می تواند با ساخت و پرداخت اسطوره در قالب "قهرمان" رمان، الگویی برای بهتر زیستن ارائه کند. رمان از طریق قهرمان خود و قهرمان از طریق هنرمند و خالق خود یعنی نویسنده، می تواند روبه سوی کمال داشته باشد. ابزار هنرمند در این عرصه، آگاهی، احساس و نیازهای اوست که هرچه این سه عنصر روبه تعالی بیشتری پیدا کنند، قهرمان خلق شده نیز متعالی تر خواهد شد.

اکثر نویسندگان و منتقدان، اتفاق نظر دارند که اولین رمان، دون کیشوت اثر سروانتس می باشد و بر این اساس خاستگاه رمان غربی را قرن هفده می دانند. البته رمان به معنای امروزی اش با رمان قرن هفده و هجده و حتی نوزده متفاوت است. برخی از نویسندگان بر این عقیده اند که امروزه، زمان مرگ رمان است. زیرا مطابق نظر لوکاکچ که رمان را حماسه بورژوازی می داند و با توجه به اینکه در جوامع امروزه، اهمیت طبقه بورژوازی به عقب رانده شده است، بنابراین از رغبت و تمایل به دانستن زندگی فردی افراد این طبقه کاسته شده است و نیز به دلیل تنوع در آثار رسانه ای، و همین طور پیشرفت تکنولوژی و ایجاد شگردها و

تکنیک های نو در هنر - صنعت سینما و همچنین به دلیل شتاب مند شدن زمان، جایگاه رمان در میان مردم کم رنگ تر شده است.

گروهی دیگر با استناد به فروش کلان رمان هایی که در همین سال های اخیر نوشته شده است، معتقدند که نه تنها جایگاه رمان در مقابل انسان امروزه، کم رنگ تر نشده، بلکه جایگاه عمیق تری نیز پیدا کرده است و این بدان دلیل است که انسان معاصر به دلیل به بن بست خوردن باورها و عقایدش در دنیای واقعیت، به مفر و پناه گاهی نیاز دارد تا کمبودها و آرمان های شکست خورده را در جهانی خیالی بیابد. شاید انسان امروزه بیش از هر زمان دیگری به جهانی خیالی و وهمی نیاز دارد تا از آشفتگی و آشوب واقعیات اجتماع، ساعتی بیاساید.

اما سوال اینجاست که مگر، رمان چه می کند که با وجود اینهمه وسائل سرگرم کننده و مدرن، هنوز جایگاه ویژه خود را در بین مردم حفظ کرده است؟ پاسخ این سؤال را باید در ویژگی هنری آن جست. باید گفت که اولاً رمان، هنر است و راز مقبولیت و جاودانگی رمان - های ماندگار هم در هنر بودن آنها نهفته است. متأسفانه در میان متونی که ملاحظه شد، این مسأله، چندان مورد توجه نبوده است. ولی به نظر می رسد که بسیاری از بزرگان و منتقدان عرصه ادبیات، با متون ادبی ماندگار، به اثری غیر از اثر هنری نگاه می کنند و متن را از زوایای مختلفی چون عرفان، فلسفه و... بررسی می کنند. اوج این تحلیل ها را می توان در مثنوی معنوی یافت. درحالیکه اگر به وجه هنری این آثار دقت شود و به اینکه هنر خاصیت چندوجهی بودن دارد و این از امتیازات هنر است که حس و ذهن مخاطب را درگیر می کند و به جریان می اندازد، آنوقت، هم از خوانش این آثار لذت بیشتری می توان برد و هم، علوم و فنون را، بهتر و علمی تر می توان بررسی و تحلیل کرد. بنابراین اگرچه این نوشتار مجال این را ندارد که به ماهیت هنر پردازد ولی در بخش " رمان " به هنر و ویژگی های آن نیزنگاهی اجمالی شده است.

با بررسی آثار متعددی که در زمینه ادبیات نوجوان شد، مشخص گردید که کتاب هایی که درباره نوجوانان در حیطه دانش روان شناسی نوشته شده است، عموماً مرز میان کودک و نوجوان را تفکیک کرده و روان شناسی نوجوان را مستقل از روان شناسی کودک دانسته اند. درحالیکه آثار پژوهشی در این حوزه که از منظر ادبیات شکل گرفته است، عموماً میان کودک و

نوجوان مرزی قائل نشده‌اند و آنها را در یک حوزه قرار داده‌اند. این مسأله می‌تواند نشان‌دهنده عدم توجه و دقت پژوهشگران آثار ادبی نوجوان به ویژگی‌ها و مشکلات نوجوانی باشد.

از مهمترین مشکلات دوره نوجوانی، می‌توان به مسأله " بحران هویت " اشاره کرد، که با توجه به ویژگی‌ها و امتیازاتی که هنر رمان دارد، می‌توان برای کمک به حل این بحران از آن یاری جست. رمان با تأثیری که از طریق قهرمان و یا شخصیت های اصلی خود بر مخاطب می‌گذارد می‌تواند در تکوین شخصیت و تعیین هویت فرد نقش به سزائی داشته باشد. این کمک به تعیین هویت در رمان های فارسی که از فرهنگ کمال‌گرایانه ایرانی - اسلامی متأثرند، پررنگ‌تر و برجسته‌تر است.

رمان فارسی، ویژگی‌هایی متفاوت با رمان غربی دارد. رمان فارسی از یک سو ادامه قصه‌نویسی در فارسی است و از سوی دیگر از رمان غربی به ویژه در فرم متأثر است. " در تاریخ زبان فارسی، قصه‌نویسی سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. نخستین آثار منثور فارسی که تاریخ نگارش‌شان به اوائل قرن چهارم هجری می‌رسد، حاوی مجموعه‌ای از قصه‌های مردمی است که در میان آنها می‌توان از کتاب کلیله و دمنه نام برد. از سایر آثار ناب فارسی که ریشه فارسی دارند می‌توان از مرزبان‌نامه، سندیادنامه، طوطی‌نامه و بختیارنامه نام برد. مجموعه‌هایی از این دست در وهله اول برای سرگرمی و تهذیب اخلاقی بعضی شاهان حامی آن ها تألیف شده و گویا شهرت عمومی یافته و به طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته، ولی در درجه اول محدود به طبقات تحصیل کرده و باسواد بوده است " (شکری، ۱۳۸۶: ۵۷). اما ادبیات کودک و نوجوان در ایران به مفهوم امروزی نوظاست و کمتر از یک قرن است که توسط جبار عسکرزاده (باغچه‌بان) شکل گرفته است. باغچه‌بان در این شیوه ابداعی سعی کرد جهان را از نگاه اطفال ببیند (محمدیگی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

روش کار

در این پژوهش ابتدا در فصل مفاهیم، طی پنج بخش، تعاریف و مفاهیم مرتبط به این پژوهش مطرح شده‌اند. سعی شده است تا نوجوانی با ویژگی‌ها و نیازهای خاص خود از دید روانشناسان بزرگ این حوزه بررسی شود. سپس " رمان " مورد تحلیل قرار گرفته و بعد از آن

به " قهرمان "، رمان فارسی و رمان نوجوان پرداخته شده است . در فصل دوم این نوشتار به بررسی و تحلیل ۲۵ رمان، به ویژه از منظر شخصیت و قهرمان‌پردازی پرداخته شده است. فصل سوم نیز به نتیجه‌گیری از داده‌های فصول قبل می‌پردازد.

محدودیت‌ها و مشکلات

این پژوهش با مشکلات و محدودیت‌های زیر همراه بوده است؛

نبودن منابع به اندازه کافی

تفکیک نشدن حوزه ادبیات نوجوان از کودک در آثار پژوهشی

عدم دقت و توجه شورای کتاب و کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان و سازما-
ن‌هایی از این قبیل در به‌کار بردن عنوان " رمان نوجوان " در آثار منتشر شده

عدم دسترسی کامل به رمان‌های منتشره در این دهه

نبودن معیار مناسبی برای انتخاب و گزینش تعداد محدودی از رمان‌ها

درخاتمه، از راهنمایی‌های فاضلانۀ استاد بزرگوارم، آقای دکتر شیرزاد طایفی که زحمت
راهنمایی این رساله را پذیرفتند و قدم به قدم در پیشبرد این پژوهش مرا یاری کردند، نهایت
سپاس و قدردانی را دارم. همچنین از استاد مشاور گرامی‌ام، آقای دکتر نعمت‌الله ایران‌زاده که با
مشورت‌هایی که از ایشان گرفتم کار به اتمام رسید، سپاسگزارم.

بخش اول :

تعاریف و مفاهیم